

قانون از یاد رفته

مسعود کوهستانی نژاد

■ **قانون مطبوعات مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱ که فقط به مدت دو ماه اجرا شد، در بررسیهای تاریخی محققان به فراموشی سپرده شده است.**

جلوگیری از گسترش مطبوعات و ایجاد مانع بر سر راه تعرض مطبوعات به مجموعه عوامل دولت و حکومت بود.

سرتاسر دوره دوازده ساله (۱۳۲۰-۱۳۲۲) به تکاپوی این دو گروه که هریک با انگیزه‌های مختلفی به دنبال ایجاد میانی جدید برای فعالیت مطبوعات بودند، گذشت. دوره یادشده از این نظر به دو قسمت کاملاً مشخص تقسیم می‌شود.

در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۲۷ تلاشهای دو طرف در خصوص تدوین قانون مطبوعات به لحاظ ضعف نسبی یکی (دولت) و قدرت نسبی دیگری (مطبوعات) به نتیجه مشخصی جز چند اصلاحیه مختصر و ارائه چند طرح نینجامید. در طول هفت سال مورد بحث، از سویی دولت‌ها به دلیل مشکلات ناشی از ساختار داخلی و نیز گرفتاری‌های سیاسی داخلی و خارجی خود، تحمل انتقادات را نداشتند و بیشتر به برخورد خشنونت‌آمیز (از جمله واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱) گرایش داشته و از سویی دیگر مطبوعات نیز با حمایت‌هایی که از جانب احزاب و جریان‌های سیاسی دریافت می‌کردند، به هیچ وجه در عرصه برخورد با دولت و حکومت کوتاه نیامده و از ابراز هیچگونه انتقادی فروگذار نمی‌کردند. ولی دوره پنجساله آخر این ایام به گونه‌ای متفاوت با سالهای قبل از آن بود. در این سالها قدرت دولت (عموماً) آشکارا افزایش یافته و متقابلاً مطبوعات در موضع ضعف قرار گرفتند. در آخرین ماههای سال ۱۳۲۷، دولت ساعد لایحه‌ای را که (بعدها به مناسبت نام

قبل از آغاز بحث لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که انتقادهایی که در این مقاله نسبت به قانون مطبوعات مورد بحث مطرح می‌شود صرفاً در چارچوب یک بحث علمی - تاریخی قرار دارد و فقط جهت روشنی هرچه بهتر تاریخ معاصر کشورمان بیان می‌گردد. به عقیده نگارنده همین انتقادهای سبب شد تا دکتر مصدق دو ماه پس از تصویب، اجرای آن را متوقف سازد.

ارباب مطبوعات تا سالها پس از تصویب و اجرا گذاشته شدن نخستین قانون مطبوعات در ایران در محرم سال ۱۳۲۶ قمری، مسأله یا اعتراض خاصی نسبت به این قانون نداشتند. شاید اوضاع آشفته و بهرجه و مرج داخلی ایران در سالهای آخر حکومت سلسله قاجار مانع از پرداختن دست‌اندرکاران، مدیران و متفکران ایرانی به محتوای قانون مطبوعات شده بود، ولی پس از قاجاریه و در دوره سلطنت رضاشاه، تفسیرها و اضافاتی نسبت به قانون مطبوعات اعمال شد. البته این اضافات بیشتر با انگیزه کنترل دقیقتر دولت بر مطبوعات صورت پذیرفت. تا اینکه با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، دوره خاصی از تاریخ معاصر ایران آغاز شد که مهمترین مشخصه آن وجود آزادی‌های گسترده سیاسی در جامعه بود.

گسترش بی‌سابقه فعالیت مطبوعات در این دوره و میل شدید مدیران و کلیه دست‌اندرکاران مطبوعات جهت دستیابی به افق‌های جدید و پهنه‌های وسیعتری از آزادی بیان، سبب طرح موضوع لزوم تجدیدنظر در قانون مطبوعات، با هدف اعطای آزادی‌های بیشتر به مدیران و دست‌اندرکاران نشریه‌ها و جلوگیری از تعدی دولت به مطبوعات شد. از سویی دیگر دولت نیز که از تحت فشار قرار گرفتن مداوم خود توسط مدیران نشریه‌ها به تنگ آمده بود، در جستجوی راههایی جهت

در دوران نخست‌وزیری مرحوم دکتر مصدق دو قانون مطبوعاتی به تصویب رسید: نخستین قانون، مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱ ش (همراه با دو متمم بعدی آن) بود که فقط به مدت دو ماه اجرا شد و دومین قانون در ۱۵ بهمن همان سال تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد. در بررسیهای تاریخی که پیرامون قوانین مطبوعاتی دو ایران صورت گرفته، اغلب محققان و صاحب‌نظران تنها از قانون مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ ش توسط دکتر مصدق یاد کرده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که قانون مطبوعات مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱ ش عملاً به فراموشی سپرده شده است.

مقاله حاضر با تأکید بر نقش انکارناپذیر بررسی قوانین مطبوعاتی گذشته در شکل‌گیری و تدوین قانون جدید به معرفی و بحث پیرامون علل تصویب و الغای قانون مذکور پرداخته است.

بلافاصله پس از تصویب قانون اختیارات، دکتر مصدق هیأتی را مأمور نمود تا طرح جدیدی برای قانون مطبوعات تهیه نمایند.^۱ این هیأت پس از بررسی، گزارش خود را در اواسط شهریور ماه به نخست‌وزیر ارائه کرد.^۲ و دکتر مصدق نیز آن را در پنجم مهر ماه تحت عنوان لایحه پیشنهادی قانون مطبوعات، برای نظرخواهی منتشر ساخت.^۳

در ابتدای طرح پیشنهادی که از ۵ فصل، ۴۶ ماده و ۲ تبصره تشکیل شده، آمده است:^۴ «نظر به اصل بیستم متمم قانون اساسی، عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین، مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است و بر طبق اصل ۱۳ قانون اساسی هرکس حق صلاح‌اندیشی و انتقاد در امور عمومی مملکتی را دارد و همچنین بر طبق اصل نهم متمم قانون اساسی، حیثیت و شرف کلیه افراد از تعرض مصون است.»

براساس مفاد ماده اول هرکس بخواهد روزنامه یا مجله منتشر کند باید امتیاز بگیرد. براساس ماده سوم، مستخدمین دولت از درخواست امتیاز نشزیه منع گردیده‌اند. مسؤلیت اصلی اجرای قانون مطبوعات در این لایحه به عهده شورای مطبوعات نهاده شده است. براساس ماده ۱۴ «این شورا تشکیل می‌شود از وزیر فرهنگ یا معاون او و یک نفر از اعضای شورای دانشکده حقوق و یک نفر از اعضای شورای دانشکده ادبیات به انتخاب شوراها و موزر و دادستان کل کشور و سه نفر از نویسندگان معروف که سستی در فرهنگ و دانشگاه نداشته باشند، به انتخاب شورای عالی فرهنگ.»

تشکیل جامعه روزنامه‌نگاران

یکی از وظایف اصلی شورای مورد بحث، تشکیل جامعه روزنامه‌نگاران و اتخاذ وسایلی بود که این جامعه بتواند موجبات ترقی و پیشرفت مطبوعات را به وسیله مقررات صنفی فراهم سازد. (بند دوم از ماده ۱۵) فصل سوم این طرح به جرائم و مجازات‌های مطبوعاتی اختصاص پیدا کرده است. براساس مفاد مواد آن، مواردی چون: تحریک مردم به خرابکاری، تحریک اعضای ارتش به نافرمانی، انتشار مقاله بر ضد دین اسلام و توهین به مقام سلطنت جرم شناخته شده است. در ماده ۲۴ آمده است: «در جرائمی که ذیل ذکر می‌شود:

الف) اهانت به افراد ناس به نوشتن فحش

تهیه‌کنندگان آن به اقبال - زنگنه معروف شد) در خصوص تحدید فعالیت مطبوعات به مجلس شورای ملی ارائه نمود و پس از تصویب به مورد اجرا گذارد. این لایحه ضمن وضع محدودیت‌های جدیدی برای فعالیت مطبوعات، تا دو سال بعد از آن تاریخ اجرا شد. اعتراض‌های گسترده مدیران مطبوعات به لایحه اقبال - زنگنه با اوج‌گیری نهضت ملی شدن نفت مقارن شد. مدیران مطبوعات همسو با نهضت ملی در جهت تغییر لایحه مذکور فعالیت‌های زیادی کردند تا اینکه در نیمه دوم سال ۱۳۲۹، تدوین قانون مطبوعات در دستور کار مجلس شورای ملی قرار گرفت. ولی به دلیل تقارن طرح این قانون، با مذاکرات مربوط به ملی شدن صنعت نفت در ایران و لزوم جلوگیری از انحراف افکار مردم از این رویداد مهم، تدوین قانون مطبوعات به کنار گذاشته شد. تنها اقدامی که در این خصوص انجام شد این بود که کلیه آیین‌نامه‌ها و لوایح مطبوعاتی به استثنای قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ ه. ق، لغو گردید.^۱

نهضت ملی شدن نفت، تا مدتی بعد، کلیه مسائل و مشکلات داخلی از جمله موضوع قانون مطبوعات را تحت‌الشعاع خود قرار داد. تا اینکه بار دیگر در تابستان سال ۱۳۳۱ ش، این بحث در دستور کار دولت قرار گرفت. این بار دکتر مصدق در مقام نخست‌وزیری، پس از تصویب «قانون اختیارات» در مجلس شورای ملی (۲۰ مرداد ۱۳۳۱ ش) در جستجوی حل بنیادی مشکلات مطبوعات و تعیین یک مبنا اساسی برای فعالیت مطبوعات برآمد. قانون مذکور به او اختیار داده بود که لوایحی را تدوین، تصویب و به‌طور آزمایشی به معرض اجرا گذاشته و پس از گذشت شش ماه آنها را برای تصویب در اختیار مجلس شورای ملی قرار دهد.

و الفاظ رکیکه

ب) انتشار مقالات مضر به عفت یا مضر

به اخلاق حسنه

ج) انتشار صور تبیحه

د) انتشار آگهی‌های مخالف اخلاق حسنه

و آداب و رسوم ملی

ه) انتشار مذاکرات سری محاکم

دادگستری که روزنامه یا مجله در

انتشار آنها مجاز نیست.

مرتکب به تأدیه هزار الی ده هزار

ریال غرامت محکوم خواهد شد و دادگاه

می‌تواند حکم به تعطیل روزنامه یا مجله

را از دو تا شش ماه صادر نماید.»

در فصل پنجم که به دادرسی مطبوعات

اختصاص یافت، محکومیت‌های مطبوعاتی از

حیث آثار در حکم محکومیت‌های سیاسی

قلمداد گردیده است. همچنین در این فصل

پیش‌بینی تشکیل یک هیأت متصفه مطبوعاتی

شده که عملاً به عنوان عامل اصلی در

محاکمات مطبوعاتی تلقی می‌گردد. اعضای

هیأت متصفه از طبقات هشتگانه مردم انتخاب

شده و نحوه عملکرد آن دقیقاً مشخص گردیده

است.

پس از انتشار متن پیشنهادی قسانون

مطبوعات، بلافاصله مفاد آن با مخالفت

گسترده مدیران نشریه‌ها روبه‌رو شد. در ۱۵

مهر ماه، حدود یک‌صد نفر از مدیران

مطبوعات با آیت‌الله کاشانی که در آن هنگام

ریاست مجلس شورای ملی را برعهده داشت،

ملاقات کرده و «... چند تن از آقایان منجمله

آقای افراسیاب آزاد، شمه‌ای در اطراف اهمیت

مطبوعات و طرح جدید مطبوعات بیان نمود و

نیز آقای عادل خلع‌تبری، صحبت کرد و

مشکلات را اظهار نمود و بعد آیت‌الله کاشانی

گفت: من می‌دانم و اطمینان دارم که یگانه

وسيله‌ای که می‌تواند به پیشرفت یک کشوری

کمک کند فقط مطبوعات است. ولی برادران

محترم این هم شد وضع که هرکس ورقه‌ای

درست کند و به نفع ایادی بیگانه و اجنبی‌ها

مطالب بی‌سر و تهی بنویسد و اسم آن را

روزنامه بگذارد؟ من نمی‌خواهم هیچ‌کدام از

شما را تنقید کنم اما شما را به وجدان‌تان قسم

می‌دهم آیا می‌شود به این ترتیب [تحمیل] کرد.

اگر ما پیرو قرآن بودیم امروز نباید کشور ما

اینطور باشد. همه ما باید به سهم خود بکشیم

خدمت کنیم و شما نیز کمک کنید که این وضع

بهبود یابد نه اینکه اگر بخواهند روزنامه‌ای که

به ضرر کشور چیز نوشته توقیفش کنند، ایراد

■ طبق قانون ۱۱ آذر ۱۳۳۱، درخواست‌کننده امتیاز نشریه باید دارای شرایط زیر می‌بود:

ایرانی باشد، سن او از سی سال کمتر نباشد، سابقه محکومیت جزایی، جنحه یا جنایت نداشته و محجور نباشد، سواد خواندن و نوشتن فارسی به قدر کفایت داشته باشد و لااقل به اندازه هزینه شش ماه نشریه مورد تقاضا، اعتبار بانکی ارائه نماید.

■ در اولین روز تصویب قانون مطبوعات ۱۱ آذر ۳۱ تصمیم گرفته شد که یک قسمت مخصوص برای رسیدگی و مطالعه مندرجات کلیه مطبوعات در دادرسی تهران تشکیل شود و هم‌روزه تمام روزنامه‌ها و مجلات و نشریه‌های دیگر در این دفتر... تماماً و دقیقاً مورد مطالعه و از نظر ارتکاب جرم علامتگذاری شود تا چنانچه لازم باشد تحت تعقیب قرار گیرند.

گرفته و بگویند برخلاف قانون عمل شده است. این مملکت فلک‌زده را که زیر پای عمل انگلیس له شده چه جور باید درست کرد. غیر از اینکه باید با کمک مطبوعات آن را درست کنیم، چاره‌ای نیست. در تمام دنیا اگر بخوانند مملکت و کشوری را بشناسند، توسط مطبوعاتش می‌فهمند. آیت‌الله کاشانی در پایان سخنان خویش از مدیران مطبوعات خواستند که نظریات اصلاحی خود را در مورد مطبوعات بدهند، تا مطالعه شود. و آنچه به صلاح مطبوعات کشور و آزادی قلم می‌باشد در طرح جدید قانون مطبوعات مورد اصلاح قرار گیرد»^۶.

بدین ترتیب فعالیت سیاسی مدیران مطبوعات برای تغییر لایحه پیشنهادی به جایی نرسیده و پس از آن اعتراض‌های مزبور به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و از طریق مجراهای قانونی و نیز گروهی‌های مطبوعاتی اعمال شد که از آن جمله می‌توان به فعالیت سندیکای مطبوعات ایران اشاره داشت که از همان هنگام انتشار متن لایحه فوق، در انعکاس و سازماندهی اعتراض‌ها مشارکت فعال نمود.^۷ با پایان یافتن مهلت اعلام شده دولت در خصوص ارسال اعتراض‌ها، از ابتدای آبان ماه کمیسیونی جهت بررسی موارد اعتراض و تهیه طرح نهایی تشکیل شد.^۸ اعضای این کمیسیون عبارت بودند از دکتر سنجابی، دکتر ملک‌اسماعیلی، نقوی و فرهودی.^۹ البته در برخی از جلسات دکتر شایگان نیز حضور داشت.^{۱۰} در نخستین جلسه کمیسیون «پیشنهادات واصله که بالغ بر سیصد فقره بود بین اعضاء تقسیم شد. در جلسه دوم، اعضاء پس از بررسی پیشنهادات واصله نظر خود را پیرامون آنها ابراز کرده و جمع‌بندی خود را نزد دکتر مصدق ارسال نمودند»^{۱۱}. در خصوص ماهیت اعتراض‌ها و چگونگی رسیدگی به آنها یکی از اعضای کمیسیون اظهار داشت: «صدی نود از پیشنهادات مربوط به عدم منع مستخدمین دولت از روزنامه‌نویسی است. عده‌ای تقاضا کرده‌اند کلیه امتیازهایی که تا به حال از وزارت فرهنگ صادر شده به اعتبار خود باقی باشد. عده‌ای نوشته‌اند شورای مطبوعات در شهرستانها نیز شعبه داشته باشد تا کسانی که می‌خواهند در شهرستانها روزنامه

منتشر کنند احتیاج به مراجعه به مرکز نداشته باشند. عده‌ای هم تقاضا کرده‌اند برای هتاک و فحاشی و حمله به نوامیس اشخاص مجازات بیشتری در نظر گرفته شود. قسمت اعظم پیشنهادات واصله از طرف صاحبان امتیاز و مدیران نشریه‌ها می‌باشد. البته تغییر بعضی از مواد لایحه جدید از وظایف ما نیست. چون کمیسیون عقیده خود را ابراز داشته و دیگر آن را عوض نمی‌کند»^{۱۲}.

جلسات بعدی کمیسیون در روزهای شنبه ۱۷ آبان و دوشنبه ۱۹ آبان و پنجشنبه ۲۲ آبان تشکیل شد. و بنا به اظهار یکی از اعضای کمیسیون «کمیسیون مرتباً با آقای نخست‌وزیر در تماس بوده و جلسات کمیسیون نیز به همین علت در منزل نخست‌وزیر تشکیل می‌شود تا ایشان را از نظرات خود مطلع نمایم که اگر پیشنهادی دارند کمیسیون را مستحضر دارند»^{۱۳}.

لازم به تذکر است در همان زمان، به دستور دکتر مصدق، لایحه استخدام کارمندان دولت تنظیم و در معرض انکار عمومی گذاشته شده بود. طبق ماده ۱۳ مکرر الف این لایحه «... هرگاه مستخدمی بر علیه اشخاص و مقامات دولتی یا غیردولتی مقالاتی در روزنامه‌ها و مجلات انتشار بدهد و بدین وسیله توهین و اذیت و تهدید نماید و یا برخلاف مصالح دولت مقالاتی منتشر سازد یا مطالب و اخبار اداری را بدون اجازه کتبی انتشار دهد نویسنده و همچنین صاحب امتیاز و مدیر آن روزنامه و مجله در صورتی که مستخدم دولت باشند علاوه بر مجازاتی که در قانون مطبوعات برای این قبیل انتشارات مقرر است به تشخیص شورای اداری از کار برکنار خواهد شد و دیگر اعاده آنان به خدمت ممکن نیست»^{۱۴}.

بالاخره در غروب روز ۹ آذر، شور نهایی لایحه پیشنهادی در منزل دکتر مصدق و با حضور وی انجام گردید و دو روز بعد دکتر مصدق قانون مطبوعات را تصویب و دستور اجرای آن را صادر کرد.

به دلیل اهمیت این قانون و عدم وجود آن در منابع دیگر تاریخی، متن کامل آن در اینجا ارائه می‌شود:

متن کامل قانون مطبوعات

مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱

فصل اول:

ماده (۱) روزنامه یا مجله نشریه‌ای است که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عامه‌المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی مرتباً طبع و نشر گردد.

ماده (۲) هرکس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید.

ماده (۳) درخواست‌کننده اجازه، باید دارای شرایط زیر باشد:

الف) ایرانی باشد؛

ب) سن او از سی سال کمتر نباشد؛

ج) سابقه محکومیت جزایی، جنحه یا جنایت نداشته و محجور نباشد؛

د) سواد خواندن و نوشتن فارسی به قدر کفایت داشته باشد.

درخواست‌کننده باید برای مخارج تأسیس و لافل هزینه شش ماه نشریه مورد تقاضا اعتبار بانکی کافی ارائه نماید.

تبصره: در صورتی که مؤسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند الف یا بند ج این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده (۴) درخواست‌کننده اجازه، علاوه بر مدارک لازمه اظهارنامه‌ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و در شهرستانها به فرماندار محل تسلیم خواهد نمود:

۱- نام و نام‌خانوادگی مؤسس و همچنین نام و نام‌خانوادگی مدیر و یا سردبیر. اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد؛

۲- محل اداره روزنامه یا مجله؛

۳- نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود؛

۴- نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه؛

۵- عدد نسخه‌هایی که از هر شماره چاپ می‌شود؛

۶- روش روزنامه یا مجله.

تبصره: هرگونه تغییری که نسبت به موارد

فوق پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته به وزارت کشور و فرماندار محل برساند.

ماده (۵) درخواست‌های تأسیس روزنامه یا مجله به وسیله هیأتی مرکب از مدیر کل وزارت کشور، رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان تهران یا نماینده او رسیدگی می‌شود. و نسبت به درخواست‌هایی که واجد شرایط قانونی باشد اجازه‌نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهد گردید.

تبصره ۱: مدت اعتبار اجازه‌نامه‌ها برای شروع انتشار شش ماه است.

تبصره ۲: وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه‌ها و مجلاتی که اجازه‌نامه آنها صادر شده است با مشخصات هر یک مرتباً ثبت می‌شود. صدور اجازه به اسامی مکرر یا نامناسب یا مستهجن ممنوع است. و به هیچ‌کس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک، اجازه داده نخواهد شد.

ماده (۶) مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای اداره خود دفاتر محاسبانی پلمپ شده بر طبق قانون تجار، تهیه نماید که کلیه مخارج و درآمد اداره منظمأ در آن ثبت گردد. و بیلان سالانه درآمد و مخارج خود را به گواهی دادستان یا نماینده او رسانیده در اولین شماره ماه سوم سال بعد برای اطلاع عامه انتشار دهد. دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لافل هر شش ماه یک بار دفاتر مزبور را بازرسی و امضاء نماید.

ماده (۷) هر روزنامه یا مجله ممکن است علاوه بر مؤسس، مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد. در این صورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرر در ماده سوم باشند.

ماده (۸) در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام‌خانوادگی مؤسسین و در صورتی که مدیر و سردبیر [داشته باشد] و همچنین نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن به طبع می‌رسد قید شود.

در مورد کتب و رسالات نیز نام مؤلف یا مترجم و ناشر و همچنین نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن به چاپ رسیده در پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود.

ماده (۹) وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی و دستگاه‌هایی که دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتی که بخواهند نشریه مرتبی

داشته باشند باید مدیر واجد شرایط معرفی کنند.

ماده (۱۰) اجازه‌نامه روزنامه‌ها و مجلاتی که تا تاریخ تصویب این لایحه یک سال تمام مرتب منتشر شده باشند به قوت خود باقی هستند.

وزارت فرهنگ مکلف است در ظرف یک ماه از تصویب این لایحه قانونی فهرست آنان را با اطلاعات لازمه نسبت به هر یک با دقت تهیه و به وزارت کشور بفرستد.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که یک سال تمام منتشر نشده‌اند، می‌توانند در ظرف یک ماه از تاریخ اجراء این لایحه قانونی درخواست خود را بر طبق مواد ۳ و ۴ به وزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف دو ماه تکلیف این درخواست‌ها را معلوم نماید.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که بر طبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنان با مواد ۳ و ۴ منطبق نباشد، اجازه‌نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است.

ماده (۱۱) هیچ‌کس نمی‌تواند اجازه‌نامه روزنامه و مجله خود را به دیگری واگذار کند مگر اینکه آن شخص واجد شرایط مقرر بوده و انتقال به تصدیق وزارت کشور برسد.

ماده (۱۲) در صورت فوت مؤسس، چنانچه در میان وراث کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث و یا قائم‌مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه‌نامه به نام او صادر می‌شود. والا وراث می‌توانند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند.

فصل دوم: حق جوابگویی

مقررات صنفی - آیین‌نامه‌های

مطبوعاتی

ماده (۱۳) مؤسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هرگاه در روزنامه یا مجله‌ای مطالبی مشتمل بر تهمت و افتراء یا اخبار مخالف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً به روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این‌گونه توضیحات و جوابها را که بیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حروفی

الف. انتشار مقالات مضر به عفت

عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه

ب. انتشار صورقیحه

ج. انتشار آگهیها و یا عکس‌هایی

مخالف اخلاق حسنه و آداب و

رسوم ملی

د. انتشار مذاکرات سری محاکم

دادگستری و یا انتشار تحقیقات و

تصمیمات مراجع قضایی که قانوناً

انتشار آنها ممنوع است.

مرتكب به تأدیبه یک‌هزار تا ده‌هزارریال

غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴) هر یک از افراد مردم اعم از

مأمورین رسمی یا غیرآنها که در روزنامه یا مجله

یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر

تهمت و افتراء و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا

نسبتهای توهین‌آمیز در زندگی خصوصی و یا

هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود

مشاهده نماید می‌تواند از نویسنده یا ناشر آن به

دادگاه شکایت نماید، مرتکب به دو ماه تا شش

ماه حبس تأدیبی و از یک‌هزار تا پنجاه‌هزار

ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۱: در موارد فوق شاکلی نیز می‌تواند

برای مطالبه خسارت مادی و معنوی که از نشر

مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی

دادخواست تقدیم و دادگاه مکلف است نسبت

به آن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد

حکم قرار دهد.

تبصره ۲: هرگاه انتشار مطالب مذکوره در

ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاکلی

بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی

می‌تواند برطبق ماده و تبصره فوق شکایت

نماید.

ماده ۲۵) هرکس به‌وسیله مطبوعات،

دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت یا

افشاء سری نماید، در صورتی که ثابت شود این

تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام

امری یا خودداری از انجام امری بوده است به

حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و به

پرداخت غرامت از یک‌هزار ریال تا پنجاه‌هزار

ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶) هرکس به‌وسیله مطبوعات به

وزراء یا معاونین وزارتخانه‌ها و یا به‌یکی از

مستخدمین دولت اعم از قضایی و اداری و

لشکری و اعضای دیوان محاسبات و نمایندگان

مجلس و رؤساء و اعضای انجمنهای شهرداری

یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضای هیأت

ب - کسانی که افسران و افراد ارتش را به

نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و

تشویق کنند، در موارد مذکور در این ماده

چنانچه تحریص و ترغیب مؤثر واقع شود و

جرائم منظور اتفاق افتد، اشخاص مذکور در بند

الف و ب به مجازاتی محکوم خواهند شد که

در قانون مجازات عمومی برای معاون همان

جرم پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۷) اشخاصی که دستورهای

محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و

استحکامات نظامی را در زمان جنگ به‌وسیله

مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از

دو تا پنج سال محکوم خواهند شد. و چنانچه

در زمان جنگ نباشد به شش ماه تا دو سال

محکوم می‌شوند.

ماده ۱۸) هرکس مقاله‌ای مضر به اساس

دین حنیف اسلام انتشار دهد به سه ماه تا

یک‌سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود.

ماده ۱۹) هرکس به‌وسیله روزنامه یا مجله

یا کتاب، مردم را صریحاً به ارتکاب جنحه یا

جنایتی برضد امنیت داخلی یا خارجی

مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی

شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی

که اثری برآن مرتب شده باشد به مجازات

معاونت همان جرائم محکوم خواهد شد. و در

صورتی که اثری برآن مرتب نشود به یک‌ماه تا

سه ماه حبس تأدیبی یا پرداخت دوهزار تا

بیست‌هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۰) هرکس به‌وسیله مطبوعات از

جرائم مذکور در موارد فوق و یا مرتکب آن

اعمال به نحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند به

جریمه نقدی از ۵ هزار تا ۵۰ هزار ریال محکوم

می‌شود.

ماده ۲۱) هرکس که به وسیله روزنامه یا

مجله به مقام سلطنت یا شخص شاه توهین کند

به مجازات سدرج در بند یک ماده ۸۱ قانون

مجازات عمومی محکوم می‌شود.

ماده ۲۲) هرکس به‌وسیله مطبوعات

نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت

خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین

نماید، طبق بند دوم ماده ۸۱ مجازات عمومی

محکوم می‌شود. مشروط براینکه در آن

مملکت نیز در موارد مذکور نسبت به ایران

معامله متقابله شود.

ماده ۲۳) در جرائمی که ذیل ذکر می‌شود:

که مطلب اصلی را چاپ کرده مجاناً و بلا تأخیر

به طبع برساند و نسبت به زائد برآن میزان،

جواب‌دهنده حق الطبع معمولی را خواهد

پرداخت. همین تکلیف شامل روزنامه و

مجلات است که مطالب مشتمل بر تهمت و افتراء یا

اخبار مخالف واقع را از مطبوعات دیگر نقل

نمایند خواهد بود. در صورتی که روزنامه یا

مجله علاوه بر جواب مطالب و یا توضیحات

مجددی چاپ نماید حق جوابهای مجدد برای

معرض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۴) وزارت کشور می‌تواند به‌وسیله

اداره کل انتشارات و تبلیغات نسبت به تشکیل

جامعه روزنامه‌نگاران اقدام نماید. این جامعه

پس از تشکیل سعی خواهد نمود موجبات

ترقی و پیشرفت مطبوعات را به‌وسیله مقررات

صنعتی فراهم سازد. و در مسائل مطبوعاتی

طرف مشاوره دولت قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۵) وزارتخانه‌های فرهنگ و کشور و

دادگستری مکلفند برای تنظیم امور

چاپخانه‌های طبع کتب و رسالات و اعلانات و

کتاب‌فروشی‌ها و توزیع نشریه‌ها و

روزنامه‌فروشی‌ها و همچنین نسبت به شرایط

و حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین

عکاس، آیین‌نامه‌های لازم را تهیه و به هیأت

وزیران پیشنهاد نمایند. در این آیین‌نامه‌ها برای

توزیع و فروش روزنامه‌ها و مجله‌ها و رسالاتی

که به زبانهای خارجی و یا به زبان فارسی در

خارج از مملکت چاپ شده است، مقررات

لازم باید پیش‌بینی شود.

فصل سوم: جرایم مطبوعاتی

ماده ۱۶) اشخاصی که به وسیله نشر

مقالات و یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب

یکی از جرائم ذیل شوند به حبس تأدیبی از

شش‌ماه تا یک‌سال محکوم می‌شوند:

الف - کسانی که مردم را صریحاً تحریص و

تشویق به خرابکاری، آتش‌سوزی، قتل، غارت

و سرقت نمایند.

ب - کسانی که افسران و افراد ارتش را به

نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و

تشویق کنند، در موارد مذکور در این ماده

چنانچه تحریص و ترغیب مؤثر واقع شود و

جرائم منظور اتفاق افتد، اشخاص مذکور در بند

الف و ب به مجازاتی محکوم خواهند شد که

در قانون مجازات عمومی برای معاون همان

جرم پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۷) اشخاصی که دستورهای

محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و

استحکامات نظامی را در زمان جنگ به‌وسیله

مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از

دو تا پنج سال محکوم خواهند شد. و چنانچه

در زمان جنگ نباشد به شش ماه تا دو سال

منصفه و یا اعضای اطاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر به سبب انجام وظایف محوله به آنان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظایفشان مورد تهمت و افتراء قرار دهد به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا ۵۰ هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره: در صورتی که استناددهنده صحت امور متسبه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است. متهم باید پس از تعقیب، منتهی در ظرف ده روز سدارک و شهود خود را برای اثبات نیتهایی که داده است تسلیم و معرفی نماید.

ماده (۲۷) هرکس به وسیله مطبوعات به اقلیتهای نژادی یا مذهبی ساکن ایران برای تولید اختلاف یا نفاق یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی یا نفاق نژادی و یا مذهبی تحریض کند به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت ۵۰۰ تا ۵ هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده (۲۸) هرکس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوءاستفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از ۵۰۰ تا ۵۰ هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد. و شاکی خصوصی می تواند خسارات خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی نماید.

ماده (۲۹) در کلیه جرائم مذکوره در موارد فوق مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت. ولی هرگاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد مدیر از تعقیب معاف است و اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز باشد یا خودداری کند یا نویسنده قابل تعقیب جزایی نباشد خود مدیر تعقیب و مجازات خواهد شد.

ماده (۳۰) در کلیه موارد مذکوره در موارد فوق آنجا که جرم جنبه هتک حرمت و یا توهین یا افتراء نسبت به اشخاص دارد تعقیب مرتکب منوط به شکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او است. و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهد شد.

فصل چهارم: تخلفات

ماده (۳۱) هرکس برخلاف مواد ۲ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ یا تبصره ۱ ماده پنجم این لایحه قانونی مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کند

به پرداخت دوهزار تا ده هزار ریال محکوم می شود.

تبصره: در موارد فوق فرماندار محل، دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب، به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود.

ماده (۳۲) هرکس برخلاف ماده ۶ یا ۸ یا ۱۲ این لایحه قانونی اقدام کند به پرداخت یک هزار تا پنج هزار ریال و یا در ماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم می شود.

ماده (۳۳) مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۸ مراعات نشده باشد قابل انتشار نیست و در صورت اقدام به انتشار از طرف مأمورین انتظامی جمع آوری و ضبط خواهد شد. و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نامهای مذکوره در ماده ۸ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات مذکوره در ماده ۳۲ محکوم می شود. همین مجازات درباره مدیران چاپخانه هایی که ماده ۸ را رعایت نکنند اعمال می شود.

ماده (۳۴) نشریه ای که مشمول ماده اول این لایحه قانونی نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی کند و تابع قوانین عمومی است.

فصل پنجم: دادرسی مطبوعاتی، هیأت منصفه

ماده (۳۵) جرائمی که به وسیله روزنامه یا مجله واقع می شود جرائم مطبوعاتی است.

ماده (۳۶) جرائم مطبوعاتی برطبق اصل هفتادونهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنایی دادگستری یا حضور هیأت منصفه رسیدگی می شود.

ماده (۳۷) مرجع شکایات مطبوعاتی دادسرای شهرستان هر محل است و دادرسی های مزبور پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنایی ارسال خواهند داشت.

ماده (۳۸) انتخاب هیأت منصفه و ترتیب شرکت اعضاء آن در رأی دادگاه به طریق زیر خواهد بود:

الف. هر دو سال یکبار در آذرماه در تهران و مراکزى که دارای دادگاه استان می باشد، هیأتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد، شهردار) و نماینده فرهنگ به دعوت فرماندار تشکیل می شود. هیأت مزبور در تهران صورتی از دو دست نفر از طبقات هشتگانه ذیل:

۱. علماء و دانشمندان و نویسندگان؛
۲. وکلای دادگستری و سردفتران؛
۳. بازرگانان؛
۴. دبیران و آموزگاران؛
۵. ملاکین و کشاورزان؛
۶. کارگران؛
۷. اصناف؛
۸. پیشهوران جزء

از هر طبقه فهرستی مشتمل بر ۲۵ نفر تهیه می کند. اشخاص منظور در صورتها باید علاوه برداشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس شورای ملی و در مقر دادگاه مقیم باشند. پس از تنظیم صورتها از هر طبقه دوازده نفر به قید قرعه برای عضویت هیأت منصفه انتخاب می شود و فرمانداری مراتب را کتبا به کلیه ۹۶ نفری که برای عضویت هیأت منصفه انتخاب شده اند ابلاغ می نماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند. عدم اعلام رد در حکم قبولی است. اگر یکی یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کنند، هیأت مزبور کسری هر طبقه را به قید قرعه از میان بقیه افراد همان طبقه به طریق فوق تکمیل می نماید. سپس فرماندار، آنان را به وسیله رئیس دادگاه استان به دادگاه جنایی محل معرفی می کند.

رئیس دادگاه استان تا نیمه دی ماه همان سال صورت اعضاء هیأت منصفه را باید در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان نماید. برای سایر مراکز استانها عده اعضاء هیأت منصفه ۴۸ نفر مقرر می شود که به همان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات هشتگانه در بدو امر ۱۲ نفر در فهرست منظور می شود). انتخاب و معرفی خواهند گشت.

ب. در مورد هر محاکمه مطبوعاتی دادگاه جنایی در جلسه علنی خود با حضور دادستان استان پنج نفر از اعضاء هیأت منصفه را به سمت عضو اصلی و پنج نفر را به سمت عضو علی البدل به قید قرعه انتخاب می نماید، کلیه اعضاء هیأت منصفه اعم از اصلی و علی البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه یک یا چند نفر از اعضاء اصلی غایب و یا قانوناً از شرکت | در جلسه | منوع باشند و عده اعضاء علی البدل که حضور یافته اند زائد بر عده غائبین یا معذورین باشد به میزان احتیاج از اعضاء علی البدل به قید قرعه به جای کسری اعضاء اصلی انتخاب خواهد شد و در هر حال با حضور پنج نفر از اعضاء اصلی یا علی البدل دادگاه قابل تشکیل است.

ماده ۳۹) دادگاه جنایی که با حضور هیأت منصفه تشکیل می‌شود مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری رسیدگی نموده، پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله اعضاء هیأت منصفه به شور پرداخته نسبت به سؤال دادگاه جنایی [در خصوص] به اینکه آیا متهم گناهکار است یا بی‌گناه؟ و در صورت تقصیر مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر؟ با رأی مخفی جواب می‌دهند. و در صورتی که متهم را بی‌گناه تشخیص دادند دادگاه فوراً به استناد رأی هیأت منصفه به انشاء حکم مبادرت می‌ورزد و چنانچه هیأت منصفه متهم را گناهکار تشخیص داد اگر هیأت منصفه قائل به تخفیف بودند دادگاه حکم محکومیت را با رعایت تخفیف انشاء می‌کند و چنانچه معتقد به تخفیف نبودند دادگاه بدون در نظر گرفتن تخفیف عمل را با مواد قانونی تطبیق نموده و به صدور حکم مبادرت و به متهم اعلام می‌دارد. حکم دادگاه که طبق رأی هیأت منصفه صادره شده خواه بر محکومیت و خواه بر برائت قابل رسیدگی فرجامی است. چنانچه روزنامه یا مجله قبل از محاکمه توقیف شده باشد به محض صدور حکم برائت متهم، روزنامه یا مجله از توقیف خارج خواهد شد.

تبصره: شور هیأت منصفه محرمانه در اطاق جداگانه انجام می‌شود و انتشار آن ممنوع است و نتیجه آن کتباً به رییس دادگاه تسلیم می‌شود که در جلسه علنی اعلام کند.

ماده ۴۰) موارد رد اعضاء هیأت منصفه و شرایط آن همان است که قانوناً در مورد رد قضات پیش‌بینی شده است.

ماده ۴۱) هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتداء یا اثناء دادرسی به واسطه عدم حضور یک یا چند نفر از اعضاء هیأت منصفه تشکیل نشود، رییس دادگاه جنایی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مراکز استان در خارج از تهران عدّه هیأت منصفه را به حکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان به موضوع رسیدگی خواهد کرد. قضاتی که به عنوان هیأت منصفه به حکم قرعه انتخاب می‌شوند صرفاً جنبه عضویت هیأت منصفه را دارند و در صورت عدم حضور یا عدم شوکت در رأی، متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت.

ماده ۴۲) هریک از اعضاء دیگر هیأت منصفه که به حکم قرعه معین شده‌اند چنانچه



بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رأی خودداری کنند به حکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت غرامت از بعضی یا تمام حقوق مذکوره ذیل از شش ماه تا دو سال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد:

الف. حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداریها و بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که لائفل نصف سرمایه آنها متعلق به دولت باشد.

ب. حق انتشار روزنامه یا مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمن‌های نظارت انتخابات مجلسین.

ماده ۴۳) هیچ روزنامه یا مجله‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف یا تعطیل کرد مگر در موارد اتهامات زیر:

۱. آنجا که مضر به اساس دین اسلام باشد؛
۲. آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد؛
۳. آنجا که نقشه طرح حرکت تشون یا دیگر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد.
۴. آنجا که دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد.
۵. آنجا که انتشار مقالات مضر به هفت عمومی یا اشاعه صورقیحه برضد عصمت و هفت عمومی باشد.

در موارد فوق دادستان شهرستان رأساً بر تقاضای فرماندار محل دستور توقیف روزنامه یا مجله یا کتاب و ضبط اوراق انتشار یافته را خواهد داد و در ظرف مدت بیست و چهار

ساعت پرونده امر را به دادگاه جنایی خواهد فرستاد. دادگاه جنایی در جلسه فوق‌العاده نظر خود را نسبت به رد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد. در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف یک هفته نظر نهایی خود را نسبت به اصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی، خارج از نوبت به اصل موضوع رسیدگی نماید.

تبصره: روزنامه‌هایی که برطبق این ماده توقیف می‌شوند، نمی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند. در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که به جای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند به حبس تأدیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می‌شوند و اجازه‌نامه آنان نیز باطل می‌گردد.

ماده ۴۴) در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۴۵) در جرائم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید و مهلتی که برای قرائت پرونده به وکیل مدافع و خود متهم داده می‌شود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت به تقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز قابل تمدید می‌باشد و از تاریخ انقضای مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زائد بر ۱۲ ساعت نخواهد بود. شاکسی خصوصی و متهم هرکدام بیش از یک وکیل مدافع نمی‌توانند تعیین نمایند.

ماده ۴۶) قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتی که با این مواد مغایرت دارند لغو می‌شود.

ماده ۴۷) وزارتخانه‌های کشور و دادگستری و فرهنگ مأمور اجرای این لایحه قانونی هستند.

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مردادماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی مطبوعات مشتمل بر پنج فصل و (۴۷) ماده و (۱۰) تبصره تصویب می‌شود.

به تاریخ یازدهم آذرماه ۱۳۳۱ نخست‌وزیر

به فاصله دو هفته بعد، دو متمم قانون مذکور که به امضاء دکتر مصدق رسیده بود نیز منتشر گردید. این دو متمم به ترتیب ذیل می‌باشند:

لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات (ماده اول) به آخر ماده ۲۶ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۹/۱۱ جمله ذیل:

«در مورد این ماده و ماده ۲۴ لایحه قانونی مطبوعات، روزنامه و مجله به‌طور کلی اعم از شماره که در آن مقاله اهانت‌آمیز و تهمت و افتراء درج شده و شماره‌های بعدی آن به دستور دادستان شهرستان توقیف می‌شود و مادام که متهم تحت تعقیب کیفری است، انتشار نخواهد یافت. در صورتی که متهم برائت حاصل نمود، متضرر می‌تواند به دادگاه مدنی عرض حال خسارت ناشی از توقیف تقدیم نماید و دادگاه مزبور در این مورد مکلف است خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی را صادر کند. این رأی قطعی است و مدلول تبصره ذیل ماده ۴۳ لایحه قانونی مطبوعات در این مورد نیز لازم‌الاجراء است. اضافه می‌شود:

ماده دوم) وزارت کشور، دادگستری و فرهنگ، مأمور اجرای این لایحه قانونی می‌باشند.

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ۱۳۳۱، لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات مشتمل بر دو ماده تصویب می‌شود.

به تاریخ اول دی ماه ۱۳۳۱ - نخست‌وزیر -
دکتر محمد مصدق^{۱۶}

دومین متمم لایحه قانونی مطبوعات

ماده اول) به آخر ماده اول لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات مصوب اول دی ماه ۱۳۳۱ شماره ۳۰۴۶۲ جمله ذیل اضافه می‌شود:

متهم می‌تواند از دستور دادستان مبنی بر بازداشت شماره‌های بعدی روزنامه (غیر از شماره‌ای که در آن مقاله اهانت‌آمیز و تهمت و افتراء درج شده) به دادگاه شهرستان شکایت کند.

دادستان موظف است فوراً پرونده را به دادگاه بفرستد و دادگاه موظف است ظرف ۲۴ ساعت پس از وصول پرونده به شکایت

رسیدگی و در صورت توجیه اتهام، دستور دادستان را تأیید نماید و چنانچه دادگاه در مدت مقرر به شکایت رسیدگی نکرد تخلف محسوب و مورد تعقیب دادگاه عالی انتظامی واقع خواهد شد.

ماده دوم) وزیر دادگستری می‌تواند برای رسیدگی به شکایتهای مذکور در ماده اول، علاوه بر شعبی که در لایحه قانونی سازمان قضات کشور پیش‌بینی شده یک شعبه دادگاه شهرستان (با کارمندان دفتری به عده کافی) تشکیل دهد. این دادگاه می‌تواند در مواقع فراغت به کارهای دیگر که در صلاحیت دادگاه شهرستان است نیز رسیدگی نماید.

ماده سوم) جمله «در مورد ماده ۲۴» بعد از کلمه «می‌تواند» در ماده اول لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات مورخ اول دی ماه ۱۳۳۱ ش اضافه می‌شود.

ماده چهارم) وزارت کشور، دادگستری و فرهنگ، مأمور اجرای این لایحه قانونی می‌باشند.

برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ۱۳۳۱ لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات مشتمل بر ۴ ماده تصویب می‌شود.

به تاریخ دی ماه ۱۳۳۱ - نخست‌وزیر -
دکتر محمد مصدق^{۱۷}

کارکرد قانون

پس از آشنایی با چگونگی پیدایش دومین قانون جامع مطبوعاتی در ایران، بحث خود را با مروری بر کارکرد قانون مذکور ادامه می‌دهیم. در اولین روز تصویب قانون مطبوعات، کمیسیونی به ریاست ملک اسماعیلی (معاون وزیر دادگستری) و با حضور عده‌ای از مقامات آن وزارتخانه برای بررسی چگونگی اجرای آن قسمت از قانون مطبوعات که در ارتباط با وزارت دادگستری بود، تشکیل شد.^{۱۸} در پایان اولین جلسه کمیسیون مذکور، تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:

۱. یک قسمت مخصوص برای رسیدگی و مطالعه مندرجات کلیه مطبوعات در دادرسی تهران تشکیل شود و همه روزه تمام روزنامه‌ها و مجلات و نشریات دیگر در این دفتر تهیه گردد. بودجه این کار از محل اعتبارات وزارت دادگستری تأمین می‌شود. به همین مناسبت تمام نشریه‌ها تماماً و دقیقاً مورد مطالعه قرار گرفته و قسمتهای قابل توجه آن از نظر ارتکاب جرم علامت‌گذاری شده تا چنانچه لازم باشد

■ در قانون مطبوعات ۱۱ آذر ۱۳۳۱ آمده است: وزارت کشور می‌تواند به وسیله اداره کل انتشارات و تبلیغات نسبت به تشکیل جامعه روزنامه‌نگاران اقدام نماید.

تحت تعقیب قرار گیرند. مسؤلیت این کار به عهده آقای ابوالقاسم انوری پور است.

۲. دفاتر سناسی جهت ثبت سوابق و انعکاس مندرجات روزنامه‌ها تهیه شود. این دفاتر بایستی مطابق قانون هر شش ماه یک‌بار به وسیله دادستان تهران بازرسی گردد و دستورهای لازم درباره آن داده شود.

۳. ترتیب لازم برای تعیین و انتخاب هیأت منصفه هرچه زودتر داده شود. مطابق قانون، فرمانداری تهران بایستی اسامی ۲۰ نفر از طبقات هشتگانه را تهیه کرده و برای وزارت دادگستری بفرستد.^{۱۹}

در اجرای سومین بند از تصمیمات فوق، در روز ۲۳ آذرماه، مراسم قرعه‌کشی ۹۶ نفر از اعضای هیأت منصفه مطبوعاتی در فرمانداری تهران به عمل آمد. در کمیسیون مربوطه آقایان ممتاز، رییس دادگاههای استان، صوفی‌نیا، فرماندار تهران، امینی شوردار تهران و حبیب‌الله یغمایی نماینده وزارت فرهنگ حضور داشتند. پس از تهیه مقدمات از حریک از طبقات هشتگانه که ۲۵ نفر قبلاً انتخاب شده بودند ۱۲ نفر با قرعه تعیین شدند.^{۲۰}

از جمله افراد انتخاب شده می‌توان به این اسامی اشاره نمود:

از طبقه علماء، دانشمندان و نویسندگان: مسعود کیهان، محمود شهابی، جلال حمایی، دکتر خانیاباییانی، دکتر یحیی مهدوی، هادی حائری، حاج سید محمود طالقانی، محمد حجازی (مطیع الدوله). از طبقه وکلاء، دادگستری: ارسلان خلعتبری، جلالی‌نائینی و صادق سرمد. از طبقه دبیران و آموزگاران: محمدضیاء هشترودی، ادیب صدرایی، دکتر حاج سید جواد و از طبقه مالکین: اسدالله اعلم و محمدعلی نظام‌مانی.^{۲۱}

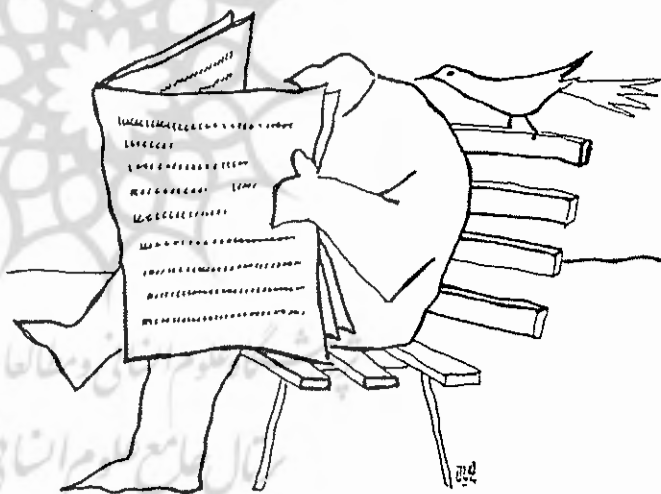
از سویی دیگر وزارت کشور نیز که مسؤلیت اصلی را در اجرای قانون مطبوعات به عهده داشت، در راستای انجام وظیفه، با تشکیل کمیسیون‌ها و جلساتی، نسبت به سازماندهی احرام‌های اجرایی قانون مذکور اقدام کرد. براساس خبری که در ۲۷ آذر همان سال منتشر شد وزارت کشور در ارتباط با

اجرای ماده ۱۵ قانون مطبوعات آیین‌نامه‌هایی را تهیه نمود^{۲۲} که چندی بعد در یازدهم دی‌ماه در کمیسیونی که جهت تدوین آیین‌نامه‌های فوق تشکیل شده بود، مطرح ساخت^{۲۳}.

از سویی دیگر در اجرای ماده ۵ قانون مطبوعات نیز کمیسیون خاصی در وزارت کشور تشکیل یافت. در اولین جلسه این کمیسیون - که در تاریخ سوم دی تشکیل شد آقایان صبا مدیرکل وزارت کشور، بنی‌فضل دادستان تهران، حبیب یغمایی رییس اداره نگارش وزارت فرهنگ و مدرسی رییس انتشارات وزارت کشور تشکیل شد - کار کمیسیون مطبوعات به دو قسمت متمایز تقسیم شد: قسمت اول: مربوط به رسیدگی به تقاضاهای جدید برای گرفتن امتیاز روزنامه و مجله است. قسمت دوم: رسیدگی به وضع مطبوعاتی است که هنوز از تاریخ امتیاز آنها یک‌سال نگذشته است. براساس تصمیماتی که در اولین جلسه کمیسیون مذکور اتخاذ گردید، در خصوص گرفتن تضمین به میزان هزینه شش

گزارشی، در «اوایل دی‌ماه کمیسیون اجرای قانون مطبوعات در اهواز با حضور فرماندار و رؤسای دادگستری و فرهنگ و شهرداری در استانداری تشکیل شد و پس از آنکه هیأت منصفه به حکم قرعه انتخاب گردید، قرار شد انتخاب شدگان ظرف سه روز رد یا قبولی خود را اعلام دارند»^{۲۴}.

جدای از اقدامات فوق که در واقع سازماندهی ارگانه‌های اجراکننده قانون مطبوعات به شمار می‌آید، بخش دیگری از بحث عملکرد قانون مذکور، به اجرای آن باز می‌گردد. اجرای این قانون پس از گذشت چند روز از تصویب، آغاز گردید. به عنوان مثال در روز ۱۶ آذر دادستان تهران اعلام نمود دستور تعقیب چند نشریه را به دلیل ایراد تخلفات مطبوعاتی صادر کرده است^{۲۷}. و در روزهای بعد نیز روال فوق ادامه یافت. تا اینکه در ۲۶ آذر مهمترین و گسترده‌ترین اخطار در خصوص تعقیب مدیران نشریه‌ها براساس قانون جدید صورت پذیرفت. در اعلامیه‌ای که به این علت



منتشر شده، آمده است:

«روزنامه‌ها و مجلاتی که طبق قانون جدید مطبوعات تا به حال به علت تخلف از مقررات یا ارتکاب جرایم مطبوعاتی توسط دادسرای تهران تحت تعقیب قرار گرفته‌اند به قرار زیرند: تخلف از قانون مطبوعات طبق ماده ۳۲: مجلات: تهران مصور، جهان سینما، خواندنی‌ها، منتارگان سینما، سخن، اطلاعات هفتگی و اطلاعات ماهیانه، ترقی، ورزش ایران، سوکیاس.

روزنامه‌ها: نبردیک، قیام تهران، سیاست اسلام، نوید آزادی، اراده توده، فردا، ندای داوود، ایران عالم یهود، آسیای جوان، شایسته،

ماه انتشار نشریه مورد تقاضا، تقاضاکننده بایستی خود میزانی برای این موضوع تعیین و پیشنهاد کند. سپس به میزان اعتبار مذکور در کمیسیون مطبوعات رسیدگی شده و اگر کافی تشخیص داده شد، تصویب گردد»^{۲۴}.

و بالاخره فرمانداری تهران نیز در دهم دی‌ماه طی اخطاریه‌ای که برای کلیه مدیران مطبوعات ارسال نمود خاطر نشان ساخت که مطبوعات بایستی خود را برای اجرای ماده ۳۱ قانون مطبوعات آماده سازند. زیرا ماده مزبور از دوازدهم دی‌ماه اجرا خواهد شد^{۲۵}. در شهرستانها نیز اقداماتی در خصوص اجرای قانون مطبوعات انجام گردید. براساس

اصلاحات ایران، ندای جوانان.

نشریه‌های فوق به علت عدم درج نشانی اداره و چاپخانه‌ای که در آن چاپ شده‌اند و همچنین عدم درج اسم صاحب‌امتیاز و سردبیر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.

مطبوعاتی که مرتکب جرائم مطبوعاتی شده‌اند بدین قرارند:

روزنامه‌ها: نیروی سوم، به‌سوی آینده، حجار، آرزوهای شمال، مرزبان، پیک آینده، شمع چراغ، سپاه، آذرباختر، تازیانه امروز، شلاق، شیرشوق، کسری، پایگاه آزادی، منطق امروز، هامون، شورش، ندای ظفر، شهباز، آهنگ زندگی، حاجی‌بابا، آذربایجان دموکرات، شاهد، پیک آینده که طبق مواد ۲۰ و ۲۶ تحت تعقیب واقع شده‌اند. ماده ۲۰ مربوط به تمجید از اعمال خائنانه دسته‌های مختلف و ماده ۲۶ مربوط به توهین به مقامات مختلف می‌باشد.

مجله جهان‌نو نیز به مناسبت انتشار صورقیحه طبق شق ۵ ماده ۴۳ تعقیب شده است. ضمناً مدیران چاپخانه‌هایی که روزنامه‌های مذکور در فوق در آنها به چاپ رسیده است طبق قانون تعقیب خواهند شد^{۲۸}.

البته لازم به تذکر است براساس گزارشی، دو روز قبل از صدور اعلامیه فوق «... آقای زندی مدیر روزنامه به‌سوی آینده از طرف شعبه ۲۷ دادسرای تهران احضار شده و به اتهام ارتکاب جرم مطبوعاتی مورد بازپرسی قرار گرفت. قرار مجربیت نیز صادر شد و به دادگاه احاله گردید»^{۲۹} و آقای زندی با قرار وجه‌الضمان ۲۵۰ هزار ریال توقیف شد^{۳۰}.

و بالاخره در ۲۶ آذرماه، اعلامیه نخستین محاکم‌های که طبق قانون جدید مطبوعات قرار بود انجام شود، منتشر گردید. براساس مفاد این اعلامیه «... موضوع محاکمه عبارت است از مقاله‌ای به قلم «م. فضیلت» در سال ۱۳۲۲ (که در نشریه ایران ما به چاپ رسید) که ضمن آن حملاتی به شاهپور علی‌رضا شده بود. طبق خبری که به دست آورده‌ایم مقاله مزبور به قلم آقای محمود تفضلی است که عضو کمیته هواداران صلح می‌باشد. ولی آقای جهانگیر تفضلی اخوی نامبرده حاضر شده است که به عنوان متهم در دادگاه حاضر گردیده و به جای او جواب بدهد»^{۳۱}.

در ادامه بحث به بررسی نحوه برخورد و آراء و عقایدی که نسبت به قانون مورد بحث ابراز شد می‌پردازیم. پس از اعلام رسمیت و اجرای قانون مذکور، برخورد فعال گروه‌های صنفی - سیاسی مطبوعاتی و جریانات و گروه‌های سیاسی نسبت به آن گستره وسیعی از عقاید و نظرات را راجع به آن پدید آورد که در اینجا آراء و نظرات مذکور در دو قسمت گروه‌های مطبوعاتی و گروه‌های سیاسی طرح خواهد شد.

۱. گروه‌های صنفی - سیاسی

مطبوعات:

همانگونه که در صفحات قبل بیان گردید بلافاصله پس از انتشار متن پیش‌نویس قانون مطبوعات در پنجم مهرماه، مدیران و دست‌اندرکاران نشریه‌ها جهت تغییر مواد آن به تکاپو افتادند. بر سر خورد آیت‌الله کاشانی (و در مجموع دولت) مانع از ایجاد جنجال توسط مدیران نشریه‌ها گردید و آنها به امید تغییر مواد مندرج در پیش‌نویس مذکور از طریق مسالمت‌آمیز پیشنهادات خود را ارائه کردند. تصویب نهایی قانون مطبوعات و به اجرا گذاردن آن از سوی دکتر مصدق، مدیران و گروه‌های مطبوعاتی را به سوی برخورد صریح‌تر و پیگیرانه‌تر نسبت به دولت و قانون مورد بحث رهنمون ساخت. این اعتراض‌ها که عموماً از طرق سازمان یافته در چارچوب گروه‌های موجود مطبوعاتی ابراز می‌شد، صرف‌نظر از موضوع اعتراض، نمایانگر تعمیق موفقیت‌آمیز اندیشه گروه‌گرایی در نزد مدیران نشریه‌ها می‌باشد. در آن زمان عمدتاً سه گروه از گروه‌های موجود مطبوعاتی به‌طور فعال در رابطه با قانون مطبوعات وارد عمل شدند. این گروه‌ها و نظرات آنان عبارتند از:

سازمان مطبوعات ایران: اعضای این سازمان با دید خوشبینانه نسبت به دولت و شخص دکتر مصدق، تلاش نمودند با تذکرات خود زمینه تغییر قانون مطبوعات را فراهم نمایند. در ۱۳ دی این سازمان ضمن صدور بیانیه‌ای پس از شرح پشتیبانی مطبوعات در قضیه ملی‌شدن صنعت نفت و حمایت از دکتر مصدق و تذکر این نکته که این ارباب نشریه‌ها بودند که با

تحصن در مجلس شورای ملی قوانین مطبوعاتی قوام‌السلطنه و اقبال - زنگنه را نقض کردند، تقاضا نمود «... در این موقع حساس آقای نخست‌وزیر در این قانون تجدیدنظر کنند و ارباب نشریه‌ها را به حمایت و پشتیبانی دعوت کنند تا کشتی شکسته ایران عزیز با اتحاد و اتفاق به ساحل نجات برسد»^{۳۲}. چندی بعد مدیران نشریه‌های عضو این سازمان با مشاهده عدم توجه دولت به خواسته‌هایشان، بار دیگر گردهم آمده و تشکیل جلسه دادند.

«... در این جلسه ابتدا آقای حسین ربیع‌پور دبیر سازمان ضمن اظهارات خود از لایحه مطبوعات انتقاد نمود. سپس آقایان دکتر شروین مدیر روزنامه مهر مبین و تقوی مدیر هراز و کیا سردبیر شرق و فروزش مدیر نجات ایران بیاناتی ایراد کردند و در خاتمه تذکرات اظهار شد با حسن نیتی که آقای دکتر مصدق نسبت به مطبوعات دارند یقیناً به تذکرات منطقی ارباب نشریه‌ها در باب اصلاح قانون مطبوعات توجه خواهند نمود»^{۳۳}.

سندیکای مطبوعات ایران: این گروه مطبوعاتی اقدامات متعددی را در خصوص قانون مطبوعات انجام داد. از جمله می‌توان به تعیین هیأتی جهت مذاکره با دکتر مصدق اشاره کرد. «این هیأت که از آقایان: ابوالفضل لسانی، عباس خلیلی، عمیدی نوری، زین‌العابدین فروزش، عادل خصلعبری، رسا، سلیمان یونسی، وجیه‌الد کامکار و پارسای تویسرکانی تشکیل می‌شد، وظیفه داشت طی ملاقاتی با نخست‌وزیر و هیأت ریسه مجلس شورای ملی درخواست اصلاح و تعدیل لایحه مزبور را از آنان بنماید»^{۳۴}.

در یکی دیگر از جلسات سندیکا که در بعدازظهر پنج‌شنبه ۲۵ دی‌ماه تشکیل شد «... عده‌ای از آقایان مدیران نشریه‌های مرکز و کرمانشاه متفقاً اظهار نظر کردند که قانون فعلی مطبوعات غیرعملی است و با صدور یک قطعنامه از آقای نخست‌وزیر تقاضا نمودند فعلاً قانون مطبوعات موقوف الاجراء بماند تا بعداً تجدیدنظر شود»^{۳۵}.

انجمن ملی روزنامه‌نگاران دموکرات: اعضای این انجمن که مدیران نشریه‌های وابسته به جناح چپ نیز عضو آن بودند در اوایل دی‌ماه

طی قطعنامه‌ای نسبت به قانون مطبوعات اعتراض نموده و درخواست اصلاح آن را مطرح کردند و جهت طرح نظرات چند نفر را برای مذاکره با نخست‌وزیر از بین خود انتخاب نمودند^{۳۶}.

به نظر می‌رسد اقدامات این انجمن توأم با موفقیت‌هایی نیز بوده است. در گزارشی که از اقدامات آنان به جای مانده آمده است: «در ۲۷ دی ماه از ساعت ۵ تا ۸ بعدازظهر جلسه تجدیدنظر در قانون فعلی مطبوعات با حضور آقای ملک‌اسماعیلی معاون پارلمانی و سیاسی نخست‌وزیر و آقایان: حسن صدر (مدیر روزنامه قیام‌ایران) فروزش (نجات‌ایران) محمود زندی (به‌سوی آینده) و محمود نیک‌پورنائینی مدیر روزنامه خیر در منزل آقای نخست‌وزیر تشکیل و در بعضی از مواد قانون مطبوعات اصلاحاتی به عمل آمد. طرح اصلاح شده قرار شد در جلسه بعدی یک دفعه دیگر مورد شور قرار گرفته و سپس برای تصویب با استفاده از قانون اختیارات به آقای نخست‌وزیر تسلیم گردد»^{۳۷}.

نظریات انجمن مورد تصویب قرار نگرفت و انجمن نیز مایوس از فعالیت مسالمت‌آمیز به سوی اقدامات ستیزه‌جویانه روی آورد و طی اعلامیه‌ای که در روز ۱۵ بهمن منتشر ساخت به اعضای خود توصیه نمود «... بهتر است تا روشن شدن وضع ارباب نشریه‌ها مراجعه به وزارت کشور و اقدام برای تجدید و صدور امتیاز تا اطلاع ثانوی خودداری فرمایند»^{۳۸}.

البته گزارشاتی از اعتراض مدیران نشریه‌های منتشره در شهرستانها نیز وجود دارد. به عنوان مثال در اواخر دی ماه «... هیچ‌ده نفر از مدیران نشریه‌های تبریز در دفتر روزنامه ستاره گردهم آمدند و درباره قانون اخیر مطبوعات به بحث و گفتگو پرداختند. در خاتمه قرار شد مراتب اعتراض خود را نسبت به بعضی از مواد قانون اخیر مطبوعات به سازمان مطبوعاتی تهران و نزد آقای دکتر مصدق بفرستند تا تعدیلی در مواد قانون مزبور به طوری که لطمه‌ای به آزادی مطبوعات وارد نسازد، داده شود»^{۳۹}.

۲- جریانات و گروه‌های سیاسی:

بسر خورد عمومی گروه‌ها و جریانات

سیاسی با قانون مطبوعات عموماً از موضوع انتقادی بوده و به غیر از منشعبین حزب زحمتکشان (جناح خلیل ملکی) بقیه گروهها بدون استثناء از تصویب و به اجرا در آمدن این قانون انتقاد کردند. جهت آشنایی بیشتر با هم مروری خواهیم داشت بر موضوع‌گیریهای فوق:

حزب زحمتکشان (جناح خلیل ملکی): مروری بر صفحات نشریه نیروی سوم (ارگان این گروه) در فاصله زمانی ۱۱ آذر تا ۱۵ بهمن سال ۱۳۳۱ ش مشخص می‌کند که این گروه سیاسی هیچ‌گونه موضوع‌گیری مشخصی در این رابطه ابراز نکرده است. ولی با عنایت به نحوه رفتار و برخورد با اجرای قانون مطبوعات و توجه به طرح شعار «لیبرالیسم بزرگترین دشمن نهضت ملی ایران»^{۲۰} از سوی این گروه در اوج اعتراض مطبوعات به قانون مذکور، به قرینه می‌توان دریافت که گروه مذکور نسبت به اجرای قانون مطبوعات اعتراضی نداشت. نمونه‌ای از رفتار گروه خلیل ملکی را مثال می‌زنیم. هنگامی که پس از به اجراء درآمدن قانون مطبوعات، نشریه صریح توسط شهربانی توقیف شد، در روزنامه نیروی سوم یادداشتی با تیر «روزنامه صریح را برخلاف قانون مطبوعات توقیف کرده‌اند» به چاپ رسید. در ضمن این یادداشت آمده است: «... دیروز به ما اطلاع رسید که از طرف شهربانی روزنامه صریح توقیف و به جای آن جبهه شرف انتشار یافت»^{۲۱}. باید در نظر داشت که روزنامه صریح همواره ضمن مقالات خود از نهضت ملی مردم ایران هماهنگ با سایر روزنامه‌های ملی پشتیبانی بی‌دریغ کرده ما ضمن اظهار تأسف از توقیف غیرقانونی روزنامه مذکور به آقای سرتیپ کمال، اطمینان می‌دهیم که محال است با این تشبثات به مقصود نهایی خود نائل آیند. جای تعجب است آقای سرتیپ کمال روزنامه‌های مخالف دولت را همگی آزاد کرده و به ایشان رشوه سی‌دهند ولی روزنامه‌های موافق دولت را توقیف می‌کنند»^{۲۲}.

حزب زحمتکشان (جناح مظفر بقایی): بدون شک فعالانه‌ترین موضوع‌گیری علیه قانون مطبوعات در بین گروههای سیاسی، متعلق به گروه مظفر بقایی (ارگان: روزنامه شاهد) می‌باشد. موضوع‌گیری صریح این گروه علیه قانون مطبوعات از اوایل دی‌ماه آغاز گردید. انتشار مطالب طنزآلود در خصوص قانون مطبوعات^{۲۳} ارائه گزارش مفصل از چگونگی تصویب لایحه مطبوعاتی اقبال - زنگنه در سال

■ هرکس به وسیله مطبوعات به وزرا یا معاونین وزارتخانه‌ها و یا به یکی از مستخدمین دولت اعم از قضایی و اداری و لشکری و اعضای دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و رؤسا و اعضای انجمنهای شهرداری یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضای هیأت منصفه و یا اعضای اتاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر به نسبت انجام وظیفه محوله به آنان اهانت نماید... به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و پرداخت غرامت... محکوم خواهد شد.

۱۳۲۷ در شماره‌های متوالی «شاهد»، از جمله این‌گونه موضوع‌گیری‌هاست. در مقاله‌ای که تحت‌عنوان قانون تنگ و قانون مطبوعات (نوشته ابراهیم صفایی) در تاریخ ۱۴ دی ماه در روزنامه شاهد چاپ شد، آمده است: «... لایحه قانونی مطبوعات به معنی به زنجیر کشیدن مطبوعات و شکستن قلم است. اگر در صف روزنامه‌نویسها کسی شایستگی نداشته یا از قلم سوء‌استفاده می‌کرده و فحاشی و هتاک می‌نموده میبایست او را مجازات کرد و از صف ارباب مطبوعات خارج نمود. والا به زنجیر کشیدن مطبوعات و سلب ابتدایی‌ترین حق مردم (یعنی آزادی زبان و قلم) لطمه شدید به اصول مشروطیت و آزادی است و در حکومت دموکراسی مردم محتاج به آن هستند که آزادانه عقاید خود را در مباحث سیاسی و مطالب مختلف اجتماعی بگسینند و بنویسند»^{۲۴}.

و بالاخره اوج این موضوع‌گیریها را در سخنان مظفر بقایی در مجلس (۲۵ دی) باید جست‌وجو نمود. بقایی در سخنان خود اظهار داشت: «... یکی از روزهایی که در خدمت دکتر مصدق در لاهه بودیم ایشان ضمن صحبت گفتند باید فکری برای مطبوعات بکنیم و من به ایشان گفتم: آقا دیگر صحبت از قانون مطبوعات نکنید. چون نکبت دارد. در نتیجه دعوتی کردند برای تنظیم قانون مطبوعات و من دعوت را به همین دلیل رد کردم. زیرا معتقدم که اگر عمل دولتها صحیح نباشد هیچ قانونی نمی‌تواند مطبوعات را اصلاح کند. قانون مطبوعات را نوشتند و بعد از آنکه در معرض افکار عمومی گذاردند دو ماده به آن

اضافه شد. اگر این دو ماده [مقصود اولین متمم قانون مطبوعات است] را در قانون اقبال - زنگنه نوشته بودید چه می‌کردید براین قانون یک ماده کم دارد و آن ماده این است که هرکسی روزنامه بنویسد بلافاصله تیرباران شود. آقایان شما را به خدا توجه کنید ما بعد از یک عمر تبعید و مشقت و رنج بردن دارای یک چنین قانون مطبوعاتی شدیم که من واقعاً شرم دارم از آن اسم ببرم... بهرحال تنها دلیل آقایان [در خصوص وضع این قانون] آن است که «اینکه وضع مطبوعات نمی‌شود که به همه فحش بدهند» غافل از اینکه مردم روزنامه خوب را از بد تشخیص می‌دهند...»^{۲۵}.

جناح چپ (حزب توده): این جناح سیاسی به تصویب و اجرای قانون مطبوعات معترض بود. ولی این اعتراض را به دو شکل کاملاً متفاوت ابراز می‌داشت. از سوی در نشریه به سوی آینده، با انجام فحاشی و حملات تند علیه تصویب‌کنندگان این قانون، تقاضای لغو آن مطرح می‌شد. به عنوان مثال طی تلگرافی که در ۱۲ بهمن در نشریه به سوی آینده چاپ شد، آمده است: «عده‌ای از مدیران نشریه‌ها مختلف المسلك طی تلگرافی نسبت به لایحه قانونی مطبوعات ابراز تنفر کرده و به دکتر مصدق که در موقع نمایندگیش به عنوان اعتراض علیه قوانین ظالمانه در مجلس متحصن می‌شد اعتراض کرده‌اند که قانون مطبوعات خودش از همه ظالمانه‌تر است»^{۲۶}.

و از سوی دیگر در نشریه خبر که یکی دیگر از نشریه‌های وابسته به این جناح است، شیوه ابراز اعتراض به گونه‌ای متفاوت با شیوه فوق بود. طی سرمقاله‌ای که در ۲۸ دی در این نشریه چاپ شد آمده است: «تردیدی نیست که درباره لویایح و تصویب‌نامه‌هایی که دکتر مصدق به موجب قانون اختیارات به مرحله عمل و اجراء گذاشته، نواقص و معایبی وجود دارد. ما منکر نیستیم که قانون مطبوعات و قانون امنیت اجتماعی از قوانین ارتجاعی است و بایستی ملغی شود، اما نباید از نظر دور داشت که این‌گونه لویایح، همه جنبه آزمایشی دارند و به منظور آزمایش به مرحله عمل و اجراء گذارده شده‌اند و در این صورت نباید [به عنوان] دست‌آویزی بر علیه دولت قرار گیرند»^{۲۷}.

حزب ایران

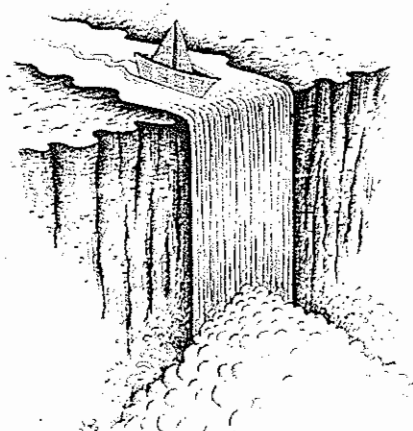
دکتر کریم سنجایی (رهبر حزب ایران): با وجود

آنکه دکتر کریم سنجابی رهبر حزب ایران یکی از اعضای اصلی کمیسیون نهایی نمودن طرح قانون مطبوعات بود، ولی پس از ارائه دو متمم این قانون از سوی دکتر مصدق، سنجابی در موضع مخالف قرار گرفته و طی سخنانی که در یکی از جلسات علنی مجلس شورای ملی (۱۴ دی) عنوان نمود، اظهار داشت: «... دو ماده اخیری که برای تکمیل این قانون، جناب دکتر مصدق وضع فرموده‌اند با اصول آزادی مطبوعات وفق نمی‌دهد و با مبارزاتی که ما در تمام این مدت کرده‌ایم، تطبیق نمی‌نماید. توقیف روزنامه قبل از محاکمه صحیح نیست...»^{۲۸}

نمایندگان مجلس شورای ملی: نمایندگان مجلس، نسبت به قانون مطبوعات دوگونه برخورد کردند. از سویی عده‌ای ضمن موافقت نسبی با این قانون، خواستار اصلاح آن بودند که از جمله آنها می‌توان به دکتر شایگان اشاره کرد؛ او در سخنانی که به همین مناسبت در ۲۹ دی در مجلس عنوان کرد گفت: «... از قوانینی که مورد بی‌لطفی شدید واقع شد یکی قانون مطبوعات بود. انتقاد از این قانون برای کسب وجهه مفید است.

متأسفانه بنده بی‌مقدار در تنظیم این قانون شرکتی نداشته‌ام [!] و علت آن هم این بود که بنده گرفتار کار انتخابات بودم... آقا ما می‌گوییم جامعه را باید اصلاح کرد و ما مطبوعاتی را می‌خواهیم که جامعه را اصلاح کنند... از بنده خواستند که حتماً نظر خود را درباره قانون مطبوعات بدهم. [نظر من این بود که] بعضی از مواد آن خوب است و عین این مطلب را هم آقای دکتر مصدق به من فرمودند. آقایان صراحتاً عرض می‌کنم کسانی که نمی‌خواهند قانون مطبوعات اصلاح شود، دشمن مطبوعات هستند. آنها می‌گویند بگذارید این مطبوعات به قدری مبتذل شود که دیگر ارزشی در اجتماع نداشته باشند. کسانی که واقعاً نویسنده هستند و صاحب حیثیت و شرف هستند باید پیشقدم شوند تا قانونی برای مطبوعات تنظیم شود...»^{۲۹}

از سویی دیگر عده‌ای از نمایندگان مجلس نیز در مخالفت با قانون مطبوعات موضع‌گیری کردند که از آن جمله می‌توان به نماینده کرمانشاه اشاره کرد. او طی سخنانی در مجلس (۱۴ دی) گفت: «... اکنون این خطری که به عنوان قانون جدید،



مطبوعات آزادی خواه را تهدید می‌کند، مورد اعتراض عده زیادی است و عده‌ای هم از کرمانشاه آمده‌اند و به آن اعتراض شدید دارند. این قانون که نمی‌دانم روی مقتضیات روز یا جهات دیگر وضع شده به مراتب از قانون اقبال - زنگنه شدیدتر و خفه‌کننده‌تر است...»^{۳۰}

مقایسه با قوانین قبلی مطبوعات در ادامه بحث برخی مواد قانون مورد بحث را با قوانین مطبوعاتی که قبل از آن به تصویب رسیده است مورد مقایسه قرار می‌دهیم:

شرایط روزنامه‌نویسی

اولین قانون مطبوعاتی ایران (محررم ۱۳۲۶ قمری):

ماده ۶) هر روزنامه یا نشریه باید یک نفر مدیر مسؤل داشته باشد متصرف به صفات زیر:

- ۱- ایرانی باشد؛ ۲- سنش بالغ بر سی سال باشد؛ ۳- زوال شرف از او نشده باشد؛ یعنی مرتکب جرحه و جنایات و مشهور به فسق و فساد عقیده نباشد.

ماده ۷) اسم و رسم مدیر روزنامه و اسم مطبعه که در آن روزنامه چاپ می‌شود باید روی هر نمره روزنامه به طبع برسد.

قانون دی‌ماه ۱۳۲۱ ش (قوام‌السلطنه):

ماده اول) از تاریخ تصویب این قانون کسانی می‌توانند صاحب‌امتیاز یا مدیر و سردبیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۶ قمری صلاحیت آنان را از لحاظ تمکن

مالی و سرمایه علمی و اخلاقی، شورای عالی فرهنگ با رعایت نوع روزنامه یا مجله‌ای که می‌خواهند منتشر کنند و سمتی که در آن خواهند داشت، تصدیق نمایند.

قانون اسفند ۱۳۲۷ ش (اقبال - زنگنه):

از تاریخ تصویب این قانون ماده یک قانون مصوب دی‌ماه ۱۳۲۱ خورشیدی ملغی و نوشتن روزنامه یا مجله احتیاج به داشتن امتیاز و اجازه شورای عالی فرهنگ ندارد. ولی برای انتشار آنها علاوه بر شرایط و مقررات مذکور در قانون مصوب محرم ۱۳۲۶ قمری نویسنده روزنامه یا مجله باید برای نشریه خود اسمی انتخاب کند که قبلاً این اسم را برای روزنامه یا نشریه خود انتخاب نکرده باشد.

قانون یازدهم آذر ۱۳۳۱ ش (دکتر مصدق):

ماده ۲) هرکس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید.

ماده ۳) درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف) ایرانی باشد؛ ب) سن او کمتر از سی سال نباشد؛ ج) سابقه محکومیت جنحه و جنایت نداشته و محجور نباشد. و سواد نوشتن و خواندن فارسی به قدر کفایت داشته باشد. درخواست‌کننده باید برای مخارج تأسیس و لااقل هزینه شش‌ماه نشریه مورد تقاضا اعتبار بانکی ارائه نماید.

تبصره: در صورتی که مؤسس یا مدیر روزنامه فاقد یکی از شرایط مذکوره بند الف و بند ج باشد اجازه انتشار مجله یا روزنامه او از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده ۵) درخواست تأسیس روزنامه یا مجله به وسیله هیأتی مرکب از مدیرکل وزارت کشور و رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان و نماینده او رسیدگی می‌شود...

مجازات تخلف از شرایط

اولین قانون مطبوعاتی ایران (۱۳۲۶ ق):

هریک از مدیر روزنامه یا مطبعه به موجب این فصل ملتزم شرعی هستند که در صورت تخلف از وظایف خود از یک الی سه تومان مجازاً دادنی باشند و در صورتی که در سه واحده تخلف در این فصل مکرر واقع شود علاوه بر وجه ملزومی، به هر تکراری یک تومان اضافه بدهد.

قانون دی ماه ۱۳۳۱ ش (قوام السلطنه) و قانون اسفند ۱۳۲۷ ش (اقبال - زنگنه):

مجازات تخلفات به همان قسمتی که در قانون محرم ۱۳۲۶ قمری پیش‌بینی شده اکتفا شده است.

قانون یازده آذر ۱۳۳۱ ش (دکتر مصدق):

ماده ۳۱) هرکس برخلاف مواد ۲ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ مبادرت به انتشار روزنامه کند، به پرداخت دوهزار ریال تا ده هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره: در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می‌دهد. و مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود.

ماده ۳۲) هرکس برخلاف ماده ۶ یا ۸ یا ۱۳ این لایحه قانونی اقدام کند به پرداخت یک هزار ریال یا دوماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شود.

ماده ۳۳) مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۸ مراعات نشده باشد قابل انتشار نیست و در صورت اقدام به انتشار از طرف مأمورین انتظامی جمع‌آوری و ضبط خواهد شد. و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نامهای مذکوره در ماده ۸ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به حداقل مجازات در ماده ۳۲ محکوم می‌شود. همین مجازات درباره مدیران چاپخانه‌هایی که ماده ۸ را رعایت نکنند اعمال می‌شود.

جرایم مطبوعاتی

اولین قانون مطبوعات ایران (محرم ۱۳۲۶ ق):

ماده ۳۴) هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیأت مادامی که مرتکب از ثبوت آن عاجز باشد و مطلقاً هرگونه تخفیف و تحقیر خواه به معنی باشد خواه به الفاظ نالایق، مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود.

ماده ۳۵) به موجب این ماده هرکسی نسبتی از نسبتهای مندرجه در ماده ۳۴ را بدو سالی که در ماده ۲۶ مذکور است نطق، لایحه، درج مقاله در روزنامه‌جات، به یکی از محاکم عدلیه یا حربیه یا انجمنها یا ادارات دولتی بدهد از ده الی سیصد تومان مجانی دادنی خراشد بود. و یا از هشت روز الی یکسال حبس خواهد شد. اگر وسیله انتشار آن نسبتها روزنامه باشد در مدت مشخصه توقیف خراشد شد. ممکن است انواع تنبیه و سیاست

را در زمان واحد مقتضی بداند. بسته به نظر حاکم قضیه.

قانون دی ۱۳۳۱ ش (قوام السلطنه):

اصلاحی ماده ۳۴ قانون محرم ۱۳۲۶ قمری) توهین و ناسزا و هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد یا هیأتها و مطلقاً هرگونه تخفیف و تحقیر نسبت به آنها، با شکایت مدعی خصوصی در دادگاه جنحه و خارج از نوبت مطرح و محرک و نویسنده و ناشر از هشت روز تا شش ماه حبس و از پانصد تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی و از هشت روز تا سه سال به توقیف روزنامه محکوم خواهد شد و دادگاه می‌تواند متخلف را به یک یا هر سه مجازات مذکوره محکوم نماید.

قانون اسفند ۱۳۲۷ ش (اقبال - زنگنه):

در مورد توهین و هتک حرمت نسبت به نخست وزیر و وزراء و معاونین آنها و رییس و نمایندگان مجلس شورای ملی و قضات و اعضاء هیأت منصفه، بدون احتیاج به شکایت آنها و در مورد سایر اشخاص و افراد با شکایت آنها طبق مقررات بند الف این قانون (ضبط اوراق منتشره از طرف شهربانی و ارسال پرونده در ۲۴ ساعت نزد دادستان) رفتار خواهد شد. لکن از نظر تأمین بازداشت متهم الزامی نیست و تابع مقررات عمومی است.

قانون یازده آذر ۱۳۳۱ ش (دکتر مصدق):

ماده ۲۴) هر یک از افراد اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر سندرجاتی مشتمل بر تهمت و افتراء و یا فحش و الفاظ رکیکه یا نسبت‌های توهین آمیز در زندگی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می‌تواند از ناشر و نویسنده آن به دادگاه شکایت نماید. مرتکب به دوماه تا شش ماه حبس تأدیبی و از یک هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۲: هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به اموات ولی توجه هتک بازاماندگان آنها باشد هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید.

ماده ۲۶) هرکس به وسیله مطبوعات به وزراء یا معاونین وزارتخانه‌ها و یا به یکی از

مستخدمین دولت اعم از قضایی و اداری و لشکری و اعضاء دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و رؤساء و اعضاء انجمنهای شهرداری یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضاء هیأت منصفه یا اعضاء اطلاق بازرگانی یا مقامات رسمی دیگر به سبب انجام وظایف محوله به آنان اهانت نماید یا آنان را در انجام وظایفشان مورد تهمت و افتراء قرار دهد به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال و پرداخت غرامت از یک هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در مورد این ماده و ماده ۲۴ لایحه قانونی مطبوعات روزنامه و مجله به طور کلی اعم از شماره‌ای که در آن مقاله اهانت آمیز و تهمت افتراء درج شده و شماره‌های بعدی آن به دستور دادستان شهرستان توقیف می‌شود و مادام که متهم تحت تعقیب کیفری است انتشار نخواهد یافت. در صورتی که متهم براءت حاصل نمود متضرر می‌تواند به دادگاه مدنی عرض حال خسارت ناشی از توقیف تقدیم نماید. دادگاه در این مورد مکلف است خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند.***

جمع بندی

حال پس از بیان مقایسه‌ای میان قوانین مطبوعاتی، به جمع بندی مطالب عنوان شده می‌پردازیم.

این جمع بندی حاوی نکات ذیل است:

۱. در این موضوع شکی نیست که قانون مطبوعات با عجله ارائه و تصویب گردید. این موضوع مخصوصاً هنگام ارائه دو متمم قانون مذکور، بیشتر نمایان شد. ابلاغ اولین متمم تنها پس از گذشت دو هفته از تصویب قانون مطبوعات بود. متممی که اوج شدت و سختگیری نسبت به مطبوعات در قانون مذکور را به نمایش می‌گذاشت. و تنها دو روز بعد از آن متمم دیگری از سوی دکتر مصدق تصویب و به مورد اجراء گذار شده و در مجموع تنها چهار ماه وقت برای تهیه پیش نویس نظرخواهی، تصویب و ارائه دو متمم قانون مطبوعات وقت صرف شد.

۲. بررسی علل این تعجیل ما را به انگیزه‌های تدوین قانون مطبوعات رهنمون می‌سازد. در این راستا ابتدا باید نظری به وضعیت سیاسی - اجتماعی موجود ایران در فاصله ماههای مرداد - آذر ۱۳۳۱ داشته باشیم.

الف. سیاست خارجی: مهمترین رویداد سیاسی خارجی (مرتبط با ایران) در فاصله

زمانی مورد بحث پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود. این واقعه تعیین کننده موضع نهایی آمریکا در قبال مناقشات ایران و انگلیس بود. از آن به بعد دولت آمریکا به طور علنی در مناقشات مذکور از انگلیس پشتیبانی کرد. ایران نیز متقابلاً به سوی برخورد علنی با آمریکا روی آورد. موضوع فوق مشخص کننده شکست کامل ایران در اتخاذ یک موضع برتر نسبت به انگلیس در معادلات بین المللی بود.

ب. سیاست داخلی: در مقطع زمانی مورد بحث دولت مصدق تحت فشار زیاد نیروهای سیاسی داخلی قرار داشت. علاوه بر مخالفین سنتی او (نظیر دربار و جناح انگلوفیل میاستمداران ایرانی) این بار بخشی از عناصر نیروهای ملی گرا نیز از تنقید برخی سیاستهای دولت مصدق خودداری نمی کردند. و در انجام این مقصود، مطبوعات بزرگترین و مؤثرترین حربه مخالفین دولت مصدق بودند. چاپ برخی اخبار و گزارش هایی از اوضاع داخلی و خارجی ارائه تحلیل های مختلف پیرامون مقایسه وضعیت ایران با دوره های سابق از جمله مهمترین مشکلات دولت با مطبوعات بود. در برخورد با این مسائل، دکتر مصدق سیاستی خاص را در پیش گرفت. اساس این سیاست بر گرایش به سوی نیروهای مذهبی و روحانیت استوار بود. با دقت در سیر مصوبات مجلس شورای ملی در فاصله مراد تا بهمن ۱۳۳۱ ش متوجه گرایش و تلاش آشکار دولت در جلب حمایت نیروهای مذهبی از سیاستهای دولت، خواهیم شد.

۱. ارائه قانون منع مسکرات - قانون عدم کار بانوان در رستورانها - آزادی نواب صفوی از زندان از جمله نمونه هایی از اقدامات دولت در خصوص موضوع فوق بود. در خصوص مطبوعات نیز دولت مصدق امیدوار بود با محدود ساختن مطبوعات نظر محافل مذهبی را که به شدت با مطالب مندرج در نشریه ها مخالفت داشتند نسبت به خود جلب نماید. در این زمینه سخنان آیت... کاشانی در دیدار با مدیران نشریه ها (۱۵ مهرماه) مؤید تلقی و نظر جناح مذهبی از فعالیت مطبوعات است. اتخاذ سیاست فوق علاوه بر جلب نیروهای مذهبی، ثمره دیگری نیز برای دولت به همراه داشت. و آن، جلوگیری از حملات مطبوعات به دولت بود. در مقطع زمانی مورد بحث و اصولاً در سالهای ۳۲-۱۳۳۰ مطبوعات پایگاه اصلی

منتقدان سیاستهای دولت مصدق به شمار می آمد. و محدود ساختن آنها، به عنوان تحکیم قدرت دولت در داخل کشور قلمداد می گشت. به تعبیری دیگر، پس از آشکار شدن شکست سیاست موازنه منفی دکتر مصدق در عرصه بین المللی، وی در زمینه سیاست داخلی و در جهت تحکیم قدرت دولت، تلاش نمود حمایت نیروهای مذهبی از دولت را تداوم و تعمیق بخشد. مخالفت این نیروها با مطالب مندرج در مطبوعات از سویی و نیاز مصدق به تحکیم اقتدار دولت خود، سبب پیدایش ایده محدود ساختن نشریه ها از طریق وضع قوانین گردید. ایده ای که در اولین قانون مطبوعات مصدق (آذر ۱۳۳۱) تجلی یافت.

۲. اولین قانون مطبوعاتی دوره مصدق نشأت گرفته از یک تفکر و یا تئوری خاص نبود. بلکه معیار اصلی در تدوین این قانون، سیاستهای جاری مملکت و اهداف سیاسی دولت بوده است. در این چارچوب است که سیاستگذار بیش از آنکه در فکر گسترش مطبوعات باشد در فکر تحدید آنها برمی آید و بیش از آنکه اثر گسترش مطبوعات در باروری آزادیهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را ملاحظه نماید، مضرات این گسترش را مدنظر خود قرار می دهد.

۳. و اما پایان سخن: تصویب و به اجراء در آمدن اولین قانون مطبوعاتی مصدق، برخلاف انتظار وی موج عظیمی از مخالفت را در میان ارباب نشریه ها، گروهها و جریانات سیاسی (با هر نوع گرایش) پدید آورد. در صف مخالفین، تمام گروههای سیاسی (به استثنای جناح خلیل ملکی) حضور داشتند. حکایت این مخالفت، خود به تنهایی حکایت عجیبی است. چرا که بخشی نشریه ها که در تمام طول دوره انتشارشان دائماً به فحاشی و هتاک به یکدیگر مشغول بودند، نسبت به این قانون موضع واحدی اتخاذ کردند و و متفقاً به مخالفت با آن پرداختند. نتیجه این مخالفتها آن شد که دکتر مصدق تنها یک ماه و نیم پس از اجرای قانون، کمیسیونی را مأمور اصلاح آن کرد و دو هفته بعد اولین قانون مطبوعاتی دوره نخست وزیری مصدق لغو شد.

حاشیه:

۱. باختر امروز، ش ۴۲۴ (۱۷ دی ۱۳۲۹): ۲-۱.
۲. اطلاعات، ش ۷۹۶۴ (۱۰ آذر ۱۳۳۱): ۴-۱.
۳. اطلاعات، ش ۷۸۹۴ (۱۲ شهریور ۱۳۳۱): ۱-۱.

۴. اطلاعات، ش ۷۹۱۴ (۵ مهر ۱۳۳۱): ۸-۱.
۵. متن این طرح پیشنهادی در روزنامه اطلاعات شماره ۷۹۱۴ (۵ مهر ۱۳۳۱) و شماره ۷۹۱۵ (۶ مهر ۱۳۳۱) و شماره ۷۹۱۶ (۱۰ مهر ۱۳۳۱) به چاپ رسیده است.
۶. اطلاعات، ش ۷۹۲۰ (۱۵ مهر ۱۳۳۱): ۸-۱.
۷. اطلاعات، ش ۷۹۲۳ (۱۹ مهر ۱۳۳۱): ۲-۱.
۸. اطلاعات، ش ۷۹۳۷ (۶ آبان ۱۳۳۱): ۵-۱.
۹. اطلاعات، ش ۷۹۶۴ (۱۰ آذر ۱۳۳۱): ۴-۱.
۱۰. اطلاعات، ش ۷۹۵۲ (۲۵ آبان ۱۳۳۱): ۷-۱.
۱۱. اطلاعات، ش ۷۹۴۷ (۶ آبان ۱۳۳۱): ۵-۱.
۱۲. همان.
۱۳. اطلاعات، ش ۷۹۴۸ (۲۰ آبان ۱۳۳۱): ۷-۱.
۱۴. به سوی آینده، ش ۷۱۸ (۱۳ آذر ۱۳۳۱): ۲-۱.
۱۵. این متن در روزنامه اطلاعات در شماره ۷۹۶۵ (۱۱ آذر ۱۳۳۱) و شماره ۷۹۶۶ (۱۲ آذر ۱۳۳۱) و شماره ۷۹۶۷ (۱۳ آذر ۱۳۳۱) به چاپ رسیده است.
۱۶. اطلاعات، ش ۷۹۸۲ (۲ دی ۱۳۳۱): ۸-۱.
۱۷. اطلاعات، ش ۷۹۸۴ (۴ دی ۱۳۳۱): ۸-۱.
۱۸. اطلاعات، ش ۷۹۶۵ (۱۱ آذر ۱۳۳۱): ۱-۱.
۱۹. اطلاعات، ش ۷۹۶۶ (۱۲ آذر ۱۳۳۱): ۵-۱.
۲۰. اطلاعات، ش ۷۹۷۴ (۲۳ آذر ۱۳۳۱): ۸-۱.
۲۱. همان.
۲۲. اطلاعات، ش ۷۹۷۸ (۲۷ آذر ۱۳۳۱): ۷-۱.
۲۳. اطلاعات، ش ۷۹۹۰ (۱۱ دی ۱۳۳۱): ۷-۱.
۲۴. اطلاعات، ش ۷۹۸۳ (۳ دی ۱۳۳۱): ۸-۱.
۲۵. اطلاعات، ش ۷۹۸۹ (۱۰ دی ۱۳۳۱): ۴-۱.
۲۶. اطلاعات، ش ۷۹۹۱ (۱۳ دی ۱۳۳۱): ۶-۱.
۲۷. اطلاعات، ش ۷۹۶۸ (۱۶ آذر ۱۳۳۱): ۶-۱.
۲۸. اطلاعات، ش ۷۹۷۷ (۲۶ آذر ۱۳۳۱): ۵-۱.
۲۹. اطلاعات، ش ۷۹۷۵ (۲۴ آذر ۱۳۳۱): ۵-۱.
۳۰. به سوی آینده، ش ۷۳۰ (۲۸ آذر ۱۳۳۱): ۴-۱.
۳۱. نیروی سوم، ش ۵۲ (۲۶ آذر ۱۳۳۱): ۲-۱.
۳۲. اطلاعات، ش ۷۹۹۱ (۱۳ دی ۱۳۳۱): ۴-۱.
۳۳. اطلاعات، ش ۸۰۰۸ (۲ بهمن ۱۳۳۱): ۲-۱.
۳۴. اطلاعات، ش ۷۹۷۵ (۲۴ آذر ۱۳۳۱): ۲-۱.
۳۵. اطلاعات، ش ۸۰۰۳ (۲۷ دی ۱۳۳۱): ۲-۱.
۳۶. اطلاعات، ش ۷۹۸۹ (۱۰ دی ۱۳۳۱): ۹-۱.
۳۷. خبر، ش ۱۵۲ (۲۸ دی ۱۳۳۱): ۴-۱.
۳۸. به سوی آینده، ش ۷۷۰ (۱۵ بهمن ۱۳۳۱): ۳-۱.
۳۹. اطلاعات، ش ۸۰۰۳ (۲۷ دی ۱۳۳۱): ۶-۱.
۴۰. نیروی سوم، ش ۷۰ (۱۷ دی ۱۳۳۱): ۱-۱.
۴۱. این کار صراحتاً مخالف مفاد تبصره ماده ۴۳ قانون مطبوعات بود.
۴۲. نیروی سوم، ش ۴۳ (۱۶ آذر ۱۳۳۱): ۳-۱.
۴۳. شاهد، ش ۸۳۳ (۴ دی ۱۳۳۱): ۱-۱.
۴۴. شاهد، ش ۸۴۱ (۱۴ دی ۱۳۳۱): ۴-۱.
۴۵. اطلاعات، ش ۸۰۰۲ (۲۵ دی ۱۳۳۱): ۴-۱.
۴۶. به سوی آینده، ش ۷۶۸ (۱۲ بهمن ۱۳۳۱): ۳-۱.
۴۷. خبر، ش ۱۵۳ (۲۸ دی ۱۳۳۱): ۱-۱.
۴۸. اطلاعات، ش ۷۹۹۲ (۱۴ دی ۱۳۳۱): ۴-۱.
۴۹. اطلاعات، ش ۸۰۰۵ (۲۹ دی ۱۳۳۱): ۸-۱.
۵۰. اطلاعات، ش ۷۹۹۲ (۱۴ دی ۱۳۳۱): ۴-۱.